

با اجازه مافوق ترین نیروی قدرت و عظمت یک محیط سعادت درخشنده و حدت نوین جهانی

رهنمون حشمت الله دولتشاهی
کتاب گلهای راهنمایی جلد دوم

رهایی و نجات

پرتگاه سقوط

با اینکه وضع پیشرفت و ترقی علمی امروز در حال افزایش است و سطح همه کارها رو به صعود و ترقی سیر می کند، مع ذالک گاهی اعمالی از بشر امروز دیده می شود که دنیا را به سوی پرتگاه جنگ می کشاند، در این عالم وحدت که همه موجودات با یکدیگر همکاری می کنند و از هم جدایی ندارند، بایستی همکاری و همفکری شعار همگان باشد. در بدن انسان که میلیاردها موجودات مختلف با یکدیگر زندگی می کنند، هنگامی که همه این یاخته ها و سلولها منظم و مرتب بوده و تعادل داشته باشند، در کمال صلح و صفا با یکدیگر زیسته و جز شعار همکاری و همفکری کاری انجام نمی دهند و اینها تنها در موقعی دست به مبارزه می زنند که از خارج میکروبیایی مانند میکروب سل، جذام و غیره وارد بدن می شود که در آن حال نیز همه عوامل و سلولها و قدرتها و نیروهای بدن دست بهم می دهند تا آن مزاحم تعادل را از بین ببرند.

بشر بایستی از نزدیکترین سرمشق یعنی همین بدن خودش درس بیاموزد. مگر نه این است که افراد بشر در تمام کره زمین همگی خواهران و برادران یکدیگرند و کره زمین حکم خانه ای برای خانواده بشری است؟ پس چرا باهم بستیزند و به اضمحلال یکدیگر پردازند؟

فکر جنگ

در هر حال باید گفت انسانی که خود را عاقل می داند، مغز خود را با فکر جنگ سخت مشغول کرده و با این که خود به خوبی از خطرات و عواقب وخیم آن آگاه است و چشمش به نتایج شوم آن باز می باشد با این حال مانند افراد کور در چاه گمراهی افتاده است.

وظیفه آگاهان

حال که چنین است چه باید کرد و وظیفه افراد صالحی که این حقیقت را می دانند چیست؟ آیا چاره جنگ با جنگ است و آیا باید فاسد را با افسد دفع نمود؟ آیا کوری که از روی نادانی ممکن است در چاه افتد نباید به او تذکر داد که راه و چاه در جلو است و خط سقوط در پیش؟ آیا این بهتر است، یا اینکه بگوییم بگذار در چاه بیفتد و بمیرد و به مکافات عمل خود برسد، بگذار تا بیفتد و ببیند سزای خویش؟

رسم جوانمردی

کسی که واقف است وظیفه دارد آن کس را که از غفلت در گمراهی افتاده نجات دهد، به هر صورت و هر کس می خواهد باشد. آنهایی هم که از جهالت در چاه یا پرتگاه شقاوت افتاده اند، هر که باشند، برادران ما در عالم وحدتند و علت این سقوط آنها محدود بودن فکرشان در عالم معنویت است و ما هم ناچاریم به آنها تذکر دوستانه بدهیم، خواه قبول کنند یا نپذیرند.

اختلاف افراد

اختلاف سازمان مکانیسم مغزی افراد ایجاد می کند، که مغز هر کسی در قسمتی که مقدر است، قویتر باشد. ممکن است کسی در امور علمی، صنعتی و یا سایر قسمتها خیلی فکور و پیشرفته بوده اما در معنویات رشد فکری لازم را که منجر به هدایت می شود، نداشته باشد. لذا بر کسانی که خود بر این حقیقت واقفند و فکر خود را در این قسمت پیشرفته می دانند، واجب است که آنها را آگاه سازند.

نجات با ریسمان محبت

عمل نجات معنوی، حفظ گمراهان در معرض سقوط، تنها بوسیلهٔ ریسمان محبت انجام پذیر است و بس. طفلی که در اثر شتاب و عدم توجه ممکن است بیفتد و پیشانی‌ش ضربه دیده و متورم گردد را نمی‌توان با زدن ضربه‌های دیگر بر روی همان محل درد معالجه کرد، بلکه باید با آرامش و نرمی و گذاردن کمپرس‌های آب گرم آثار آن ضربه را از بین برد. در مورد کسانی که گمراهند باید چنین محبتی بکار انداخت.

خطر سقوط

بدیهی است این کار آسان نیست، زیرا سقوط در گرداب دشمنی و جنگ برای بشر خطرناک است، لذا داروی آن که محبت و مدارا و مهر انسانیت است نیز باید خیلی بزرگ و قوی باشد و همهٔ افرادی که به این حقیقت واقفند باید دست به دست هم دهند و محبت‌های یکدیگر را به هم توأم سازند تا بتوانند این درد را درمان نمایند.

همکاری در راه حق

زمانی در شهری سیل آمد و وسائلی برای جلوگیری از آن نبود، لذا اهالی شهر هر کدام از منزل خود کیسه‌ها و سبدهایی که داشتند بیرون آوردند به طوری که مجموع تعداد آنها هزاران گردید و آنها را پر از خاک و سنگ کردند و با همکاری یکدیگر جلو سیل دیواری کشیدند تا توانستند سیل را برگردانند. در مورد بلاهای معنوی هم بایستی چنین همکاری مجدانه‌ای توسعه یابد و همهٔ افرادی که به حقیقت واقفند و سخن حق را زودتر قبول می‌کنند، کلیهٔ نیروی محبت و مهر خدادادی را که در قلبشان است، روی هم گذارده، به کار اندازند تا نیروی دشمنی و عداوتی را که امروز بر افراد بشر غالب شده فرو نشانند. این است یکی از آمال وحدت که در راه آن می‌کوشد.

فواید اتحاد ادیان

اتحاد ادیان قادر است این عمل را انجام دهد. آیا سزاوار نیست که خداپرستان همهٔ کیشها و کلیهٔ کسانی که حس انسانیت آنها بیدار و مجهز است، از هر دین و فرقه، نیروهای محبت خود را با یکدیگر توأم سازند تا با یک قدرت واحد بتوانند بشری را که به راه جنگ می‌رود از خطر سقوط نجات بخشند؟ آیا صلاح نمی‌دانید که همگی در راه وحدت ادیان بکوشیم تا بشر را به راه سعادت و صلاح آوریم؟ خداوند یار و یاور همه باشد و ما را از پرتگاه نجات بخشیده و به خیر و صلاح، رهبری فرماید.

خلاصهٔ مطالب بالا در یک دو بیت

| | |
|---------------------------------|-----------------------------------|
| هان فکر جنگ بر سر آدم گرفته راه | با چشم باز لیک چو کوران فتاده چاه |
| باید به ریسمان محبت بیرون کشید | نادان کوره فکر زچاه و ز پرتگاه |